

ماه رمضان سال ۱۳۵۱ اما نقطه‌ی شروع جلسات دیگر استاد سیدعلی خامنه‌ای در مشهد بود. مسجدی‌های کم‌شمار "مسجد امام حسن(ع) سراغ ایشان آمدند و پیشنهاد دادند که ایشان امام جماعت این مسجد شود. پس از چند روز برگزاری نماز جماعت، امام جماعت جدید و جوان مسجد، رو به نمازگزاران کرد و چنین گفت: با این چند شبی که ما اینجا دور هم جمع شدیم، حقی شما به گردن من پیدا کردید و حقی هم من به گردن شما پیدا کردم.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۷۶ / چهارشنبه ۸ خرداد ماه ۱۳۹۸

«معامله قرن» به جهنم

جوان: محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین روز سه شنبه در مراسمی در شهر رام‌الله، درباره طرح واشنگتن درباره فلسطین گفت: «حل مسائل سیاسی فلسطین پیش از مسائل اقتصادی آن اهمیت دارد و نباید برای فروش توهم‌های میلیاردی خود که چشم‌داشتی به آن نداریم تلاش کنند چرا که آن را نخواهیم پذیرفت و مسائل ما در ابتدا سیاسی است». عباس تأکید کرد: «مسئله فلسطین گام به گام به پیش می‌رود و به خواست خدا به زودی به کشور مستقل فلسطین خواهیم رسید که پایتخت آن قدس شریف است و معامله قرن یا معامله ننگ به خواست خدا به جهنم خواهد رفت و نشست اقتصادی که به دنبال برگزاری آن طی ماه آینده هستند نیز به جهنم می‌رود». وی اضافه کرد: «ما با نشست بحرین و نتایج آن مخالفیم چرا آن‌ها سعی دارند توهمات خود را به فلسطینیان بفروشند درحالی که به این هدف خود نخواهد رسید و ما به حمایت آن‌ها نیازی نداریم، چرا که با کمک مردم فلسطین قادر به تشکیل دولتی مستقل و مدرن خواهیم بود».

امریکا قصد دارد در روزهای ۲۵ و ۲۶ ژوئن (۵ و ۶ تیر ۹۸) برای جذب سرمایه‌گذاری در اراضی فلسطین، نشست اقتصادی بین‌المللی در بحرین برگزار کند. گفته می‌شود که بخش اول طرح دولت امریکا برای سازش میان اسرائیل و فلسطین در قالب معامله قرن در این نشست اعلام خواهد شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا که حامی اصلی رژیم صهیونیستی است، سعی دارد با معامله قرن به مناقشه فلسطینی‌ها و اسرائیل پایان دهد، اما طرح امریکا به دنبال حذف همیشگی بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین خود و اسکان آن‌ها در وطن جایگزین یعنی کشورهای دیگر است. به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت امریکا از تل‌آویو به شهر قدس طی کمتر از یک سال گذشته در این راستا انجام شده است و قرار نیست کشوری به نام فلسطین به پایتختی قدس به رسمیت شناخته شود. فلسطینی‌ها ضمن مخالفت با معامله قرن، آن را طرحی امریکایی و یکجانبه برای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی به عنوان یک کشور مستقل بدون در نظر گرفتن این حق برای فلسطین و تعیین وطن جایگزین برای فلسطینیان می‌دانند.

چرا ترامپ مجبور به عقب نشینی در مقابل ایران است ؟

خراسان: اظهارات اخیر دونالد ترامپ در توکیو این بحث را پیش کشیده که ترامپ تا چه حد از مواضع قبلی خود در قبال ایران عقب‌نشسته و اساساً این مواضع تحت تأثیر چه مولفه‌هایی بیان شده است. این که ترامپ نشان داده است به

راحتی از مواضع قبلی خود عدول می کند یا نظراتش را تغییر می دهد و سخنی متناقض با موضع قبلی می گوید مبرهن است اما مواضع جدید وی درباره ایران به ویژه این جمله که «ما به دنبال تغییر حکومت در ایران نیستیم» را می توان یک تغییر عمده در نظرات وی درخصوص سیاست تحمیلی اش درباره ایران دانست.

ترامپ حدود یک سال پیش وقتی آمریکا را از برجام خارج کرد، از ضرورت «مذاکره مجدد» سخن گفت، مذاکره برای «توافقی جدید و بهتر» اما فقط تا سه ماه این موضوع را تکرار و بیان می کرد. پس از آن و در ۱۰ ماه اخیر - تا زمان بالا گرفتن تنش ها پس از اعلام تمدیدنشدن معافیت های نفتی - ترامپ سکوت قابل توجهی به ایران داشت. او منتظر بود. با توجه به تیم مشاورانش می توان حدس زد که او منتظر سقوط و فروپاشی از درون بود. منتظر بود یا دولت و حاکمیت در تامین نیازهای داخلی ناتوان بشوند و اقتصاد ایران از درون فروپاشد یا درگیری ها و اغتشاشات داخلی، حاکمیت جمهوری اسلامی را به چالش یا حتی سقوط بکشاند. اتفاقی که قرار بود در تابستان داغ ۹۷ بیفتد.

مقاومت ملی و پاسخ مقتدرانه، ترامپ را از دنیای فانتزی بولتون خارج ساخته، در واقع دو واقعیتی که ایران به صحنه بین المللی به ویژه آمریکا تحمیل کرده موجب شده است، خواسته و ایده آل آمریکایی ها از تغییر حکومت در ایران به صرفا توافق هسته ای جدید تقلیل یابد.

اما واکنش بعدی ما در مقابل آمریکایی ها بسیار مهم و اساسی است. ترامپ گفته است که می خواهد توافقی برای جلوگیری از بمب هسته ای با ایران داشته باشد و حاضر است سر این موضوع مذاکره کند اما هرگونه پالس مذاکره از طرف ایران می تواند نشانه ضعف ایران برداشت شود. تصور کنید اگر شش ماه پیش این پیشنهاد را ایران داده بود، آمریکایی ها به کمتر از خروج ایران از تمام کشورهای منطقه و نابودی قدرت موشکی رضایت نمی دادند. اما حالا و فقط پس از شش ماه آن قدر عقب نشسته اند که فقط یک توافق مکمل را طلب می کنند. به ویژه آن که باید بدانیم آمریکا تقریبا تمامی کارت هایش در فشار حداکثری به ایران را رو کرده و دیگر کارتی برای بازی ندارد، در حالی که ابتکار عمل در دست ایران است

شلیک واردات به قلب تولید

رسالت: سخن، ساده و روشن است: محصولات غیرضروری نباید به کشور وارد شود. واردات مداد و خودکار و سنجاق و چوب بستنی و غذای سگ و گربه حتی با ارز آزاد هم نباید اتفاق بیفتد، تا چه رسد به این که بعضی از این اقلام، با ارز نیمایی بخواهند وارد شوند.

واردات این محصولات از دو جهت قابل بررسی است: اول آن که کارگر ایرانی بیکار می شود، کارخانه ها تعطیل می شود، چرخ تولید از رونق می افتد، ارز از کشور خارج می شود و خلاصه، مصیبتی در حوزه اقتصاد نیست که با واردات بی رویه و غیر ضروری به کشور تحمیل نشود. غیر از تبعات اقتصادی، خود افزایش بیکاری، ده ها پیامد منفی اجتماعی و فرهنگی دارد که نیازی به گفتن آن ها نیست.

از سوی دیگر، واردات کالاهای غیرضروری، معمولا توسط دلالان و با استفاده از رانت اتفاق می افتد، دلالتی که با دلار ارزان دولتی، جنس غیر ضروری وارد می کند و در بازار به نرخ آزاد می فروشد، یک شبه صاحب سرمایه ای می شود که معمولا علاقه ای هم به حفظ آن در ایران ندارد. در خیرها، فهرست کشورهای که واردکنندگان ایرانی، معمولا در آن ها زمین و خانه می خرند، آمده که از آمریکا و کانادا تا گرجستان و برخی کشورهای همسایه را شامل می شود. تاسف بار

تر آن که برخی از این واردکنندگان، مسئولان فعلی یا سابقند که به واسطه اطلاعات یا ارتباطات خود، با ورود به حوزه واردات، صاحب ثروت های افسانه ای می شوند. باید به صراحت گفت که وزیر، نماینده، سفیر و دولتمردی که فقط با نیت کسب ثروت، لباس و مواد خوراکی و محصولات که مشابه داخلی دارند، وارد می کند، شرافت ندارد. کسی که در این اوضاع اقتصادی و معیشتی، بیکار شدن کارگر ایرانی و شرمندگی او در برابر خانواده اش را می بیند و همچنان محصول غیرضروری وارد می کند، دلال خون مردم است. همین ثروت های یک شبه، معمولاً منجر به زندگی های خارج از قاعده و به اصطلاح امروز، لاکچری است. فرزند همان واردکننده، در اینستاگرام و شبکه های اجتماعی دیگر، ثروت خود را به رخ می کشد و فخر می فروشد، با خودروی چند میلیارد تومانی در خیابان ها مانور تجمل می دهد و وقتی در تصادف، جوان مردم را کشت، با وقاحت فریاد می کشد که دیه اش را می دهم. خود این فضای نابرابری، موجب شکاف بیشتر اجتماعی می شود و این چرخه معیوب ادامه می یابد.

فرهنگ در دولت روحانی

صبح نو: آقای حسن روحانی در طول سال های پس از انقلاب مسوولیت های امنیتی، سیاسی و نظامی داشته و در شورای امنیت، مجلس و جنگ تجربه های قدرت سخت را از سر گذرانده؛ اما تحصیلات او در رشته ای است که به ریاضی علوم انسانی معروف است؛ حقوق. تحصیل در این رشته او را وارد فضایی دیگر کرد و جنبه های دیگری از شخصیت او را پرورش داد؛ هر چند بسیاری از استدلال های او و ادبیاتش در طول ۶ سال گذشته چندان قرابتی با علم حقوق نداشته است. آنچه در کارنامه مدیریتی او دیده نمی شود، مدیریت فرهنگی یا حداقل آشنایی با عالم فرهنگ است. او نه مانند خاتمی، رییس کیهان بود و وزیر ارشاد و نه مانند احمدی نژاد با دانشگاه و دانشجو سر کار داشته. او از فضایی امنیتی و سیاسی وارد عرصه ریاست جمهوری شد؛ حتی مرکز تحقیقات استراتژیک هم بیشتر محل مباحث سخت سیاسی و اقتصادی بود. انتخاب او به عنوان رییس جمهوری هم به واسطه حمایت اصلاح طلبان صورت گرفت. شعارهای اصلاح طلبان به گونه ای بود که لزوم تغییرات در وزارتخانه های ارشاد، آموزش عالی و آموزش و پرورش را طلب می کرد. روحانی که چندان تبخری در حوزه فرهنگ نداشت، سعی کرد رضایت جبهه اصلاحات را تأمین کند. در سوی دیگر هم، بعد از محمود واعظی با انتصاب آذری جهرمی در وزارت ارتباطات، زمینه رضایت اصلاح طلبان را فراهم کرد. نگاه او در فرهنگ با ادبیات و سابقه پیشینش سنخیتی نداشت و از سوی دیگر در این زمینه نتوانست ایده جدیدی غیر از سخن اصلاح طلبان خلق کند. این گونه شد که میان او و برخی چهره های اصولگرا در شورای انقلاب فرهنگی و شورای فضای مجازی اختلاف پدید آمد. در عین حال در تیم روحانی جای چهره های فرهنگی هم خالی بوده است. دولت روحانی در فرهنگ تا جایی که توانست دست به سوی اصلاح طلبان دراز کرد یا در برخی مناصب اگر از راستگرایان میانه رو استفاده کرده، آن ها چندان به جریان انقلابی نزدیک نشدند. نوع عملکرد روحانی در فرهنگ رگه های سکولار و غربی داشته و از این زاویه به شدت قابل نقد است.

موانعی برای تورم بسیار بالا

دنیای اقتصاد: شاخص بندی کاملی بین دستمزد و تورم وجود ندارد و با وجودی که در هنگام تعیین دستمزدها برای سال آتی به تورم نگاه می شود، اما هیچ گاه نرخ رشد دستمزدها در زمانی که تورم بالاتر از سطح متوسط بلندمدت بوده به

اندازه تورم افزایش نیافته است. از سوی دیگر، هفته گذشته رئیس کل بانک مرکزی در مورد پولی کردن کسری بودجه هشدار و عزم بانک مرکزی برای عدم تحقق این مساله را نشان داد. امری که می‌تواند به‌عنوان تعهدی برای مقامات پولی ارزیابی شود و با انجام یافتن آن، اعتبار دو چندان را به بانک مرکزی دهد.

ابداً منظور آن نیست که تورم در شرایط فعلی پایین است یا در آینده به میزان قابل توجهی پایین می‌آید، بلکه ادعا آن است که به دلیل آنکه دو امر فوق محقق نشده است، هنوز اقتصاد ایران با پدیده ابرتورم فاصله دارد. اگر طرح‌هایی که امروز بعضاً از مجلس به گوش می‌رسد مانند افزایش چندباره حقوق و دستمزد در طول سال یا به هوس افتادن دولت برای افزایش مجدد حقوق کارمندان در حالتی که مشخص است بخش اعظم درآمد نفتی کسب نمی‌شود، آن‌گاه زنگ خطر برای تورم‌هایی فراتر از سطوح موجود به صدا در می‌آید. باید آحاد مردم دریابند که در شرایط فعلی هرگونه شاخص‌بندی کامل حقوق با تورم، تنها در جا زدن است که به مقصود نمی‌رسد. همچنین برای کارمندان دولت، در زمانی مانند امروز که دولت با کسری بودجه شدید مواجه است، هرگونه اقدامی برای افزایش حقوق‌ها اگر با کاهش هزینه‌ها در بخش‌های دیگر بودجه دولت مواجه نباشد، تنها منجر به افزایش تورم خواهد شد؛ بدون آنکه بتواند به معیشت آنان کمک کند. از این رو در وضعیت کنونی باید بیش از گذشته به شعارهای پوپولیستی حساس بود؛

دلخوش به آدم‌کش

فرهیختگان: حرف‌های عجیب و غریب ترامپ در توکیو خیلی خبرساز شد، حرف‌هایی که کمتر کسی پیش‌بینی بیانش را می‌کرد. البته آنهایی که ترامپ را بیشتر می‌شناسند و به اصطلاح روان‌شناسی او دست‌شان است، این مدل حرف‌زدن را دور از انتظار نمی‌بینند و از قضا آن را منطبق با خلیقات رئیس‌جمهور ایالات متحده توصیف می‌کنند. وقتی که دونالد ترامپ در جریان نشست خبری با نخست‌وزیر ژاپن، پشت تریبون رفت و گفت که «من واقعا فکر می‌کنم ایران به دنبال یک توافق است. به نظر من این نشان‌دهنده هوشمندی آنها است و من فکر می‌کنم احتمال تحقق این مساله وجود دارد. ایران با همین رهبران موقعیت تبدیل شدن به کشوری بزرگ را دارد. می‌خواهم به صراحت بگویم که ما به دنبال تغییر رژیم نیستیم. ما به دنبال جلوگیری از تسلیحات هسته‌ای هستیم.» خیلی‌ها گمان کردند او از نظرات قبلی خود کوتاه آمده و بنا دارد با ایران وارد یک مذاکره برابر و به اصطلاح دیپلمات‌های وزارت خارجه برد-برد شود. خیلی‌ها حتی بعد از این اظهار نظر گفتند ترامپ از تیم مشاوران تندرو کاخ سفید جدا شده و به اصطلاح این اظهارات را کوتاه آمدن از مواضع مایک پمپئو در بیان شروط ۱۲ گانه برای ایران یا جان بولتن درباره تغییر رژیم در ایران دانستند.

